



# انترناسیونال

## ۳۱۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



**حزب کمونیست کارگری ایران**  
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۷ شهریور، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹

**منصور حکمت**

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

## در مورد بازگشایی دانشگاهها و مدارس

شهبلا دانشفر صفحه ۲



محسن ابراهیمی

## احمدی نژاد در سازمان ملل و پراگماتیسم خونین دول غرب

کسی که فقط به خاطر جنایات اخیرش بر علیه انقلاب مردم، باید در پشت میز محاکمه بنشیند، قرار دادن در این سی ساله تجربه کرده اند. اکنون یک مشت خر مرد رند مترجع ضد مردمی آمده اند تا به طرف مقابلشان که در سه کنجشان قرار داده نشان دهند که این قدرت سحر آمیز را دارند که مردم سرنگونی طلب را به لشکر حامی جمهوری اسلامی تبدیل کنند! و در نتیجه مهار غول مردم در دستان هاشمی و موسوی و کروبی است و (باز در نتیجه) "اگر اینها امن بمانند جمهوری اسلامی امن است و اگر گزندی به آنها برسد این مهار رها میشود و جمهوری اسلامی رفتنی است!

صفحه ۳



کاظم نیکخواه

## بساط "قدس" شان را باید تماما جارو کرد!

رهبران جناح اپوزیسیون درون رژیم یعنی کروبی و هاشمی و موسوی به مردم فراخوان شرکت وسیع در مراسم "روز قدس" داده اند. در این فراخوان هم مرد رندی و حسابگری ارتجاعی آخوندی، و هم جبونی و در سه کنج گیر کردن آنها را یک جا میشود دید. در روز روشن میخواهند با کارت مردم در برابر رقیب بازی کنند، اما به نحوی که هیچ چیز به مردم نماند و مردم هم متوجه این نشوند! آشکارا این روز را انتخاب کرده اند تا هیچ پیشروی و دستاوردی نصیب حرکت و جنبش مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب نشود. "قدس" روز ارتجاع است. روز خمینی است. روز بسیج لشکر اوپاش قمه بدست و خون آشام علیه مردم است. روزی است که خمینی در سال ۵۸ همین دارو دسته هایش را که امروز در دوجناح متخاصم قرار گرفته اند، برای به خون کشیدن انقلاب مردم میخواست سازماندهی و یک دست کند و به جان مردم بیندازد. این بساط را به پا کردند تا خیل عربده کشان و چاقوکشانشان را منسجم کنند و بعد تابستان خونین سال ۶۰ و اعدامهای جمعی و تیغ کشیدن روی زنان و حمله به دانشجویان و کل و جنایاتشان در کارخانه ها و دانشگاهها و کوچه و خیابان را به نحو گسترده ای آغاز کردند و هر سال آنرا تجدید کردند. روز قدس روز اعلام حمایت و برادری با تروریسم اسلامی در سطح جهان و بعد در سایه آن برپا کردن تروریسم داخلی در ایران است. این را مردم ایران با خون و رنج و تلفات و قربانی



مصطفی صابر

## دادگاه های اسلامی و استالین

برخی، و پرحرارت تر از همه دوم خردادی ها و مغضوبین درگاه جمهوری اسلامی، دادگاه های ضد بشری تواب سازی اسلامی اخیر را "استالینیستی" نامیده اند! بامزه است. تصورش را بکنید:

صفحه ۴



مینا احدی در پارلمان سوئیس صفحه ۶

## ضمیمه انترناسیونال

منتشر میشود

موضوع:

مصاحبه

با حمید تقوائی

در باره

اوضاع سیاسی ایران

## چهاردهمین کنفرانس اعضای تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت برگزار شد!

صفحه ۵

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سخنی در مورد بازگشایی دانشگاهها و مدارس



شهلا دانشفر

کرد، کمیته‌های انضباطی و حراست باید بساطشان از دانشگاهها و همه جا جمع کنند، حجاب اجباری لغو باید گردد، تبعیض جنسیتی نه، آزادی برابری هویت انسانی و شعارهای آزادیخواهانه را شنید. بنابراین باید خود را آماده کنیم. به استقبال این روز برویم. نیرویمان را گرد آوریم. پلاکاردهایمان را آماده کنیم. اما این تنها دانشگاه نیست. نیروی میلیونی معلمان نیز در راهست. با شروع سال جدید میلیونها معلم نیز در مدارس گرد می آیند. نیرویی که تا کنون به هیچیک از

تهدید کرده اند. دانشجویان ستاره دار را حتی ثبت نام هم نکرده اند. صحبت از حجاب و عفاف برای دختران دانشجویان است. دارند حسابی سنگربندی میکنند. گویی این کلاس درس نیست که باز میشود. این جبهه جنگ و گریز دیگرست که باز میشود. در جریان خیرش انقلابی سه ماه اخیر و در حمله به دانشگاه تعدادی دانشجو وحشیانه به قتل رسیدند. تعدادی هم هنوز در اسارت جمهوری اسلامی بسر میبرند. "کمیته انضباطی" و اطلاعات رژیم نیز بساط احضار و تهدید را برپا کرده اند. دانشجویان خود را برای نبرد دیگر آماده میکنند. اوضاع بشدت ملتهب است. رژیم میدانند که مساله به همین سادگی ها نیست. سال سختی را در پیش خواهد داشت. از همین الان میتوان صدای رسای زندانی سیاسی آزاد باید گردد، آمرین و عاملین کشتار اخیر را باید محاکمه

چند روز بیشتر به آغاز سال تحصیلی جدید نمانده است. گویی همه منتظر اتفاقی هستند. دانشگاه این سنگر آزادی، باز میشود و همه چیز نوید اوج گیری مجدد خیزش انقلابی مردم را میدهد.

همه سرها بطرف دانشگاههاست. جمهوری اسلامی نیز بشدت در هراس است. همه چیز نوید شروع دور جدیدی از اعتراضات را میدهد. وحشت رژیم را کاملاً میتوان دید. این را از اخطارهایشان، از احضارهایشان و از صحبت های ضد و نقیضشان میتوان دید. وزیر علوم در گفتگو با ایلنا دلخوشی میدهد که نترسید دانشگاهها باز میشود و جای نگرانی و مشکلی نخواهد بود. انجمن اسلامی دانشگاهها نیز همین اطمینان را میدهد. در کنار اینها دارند تمهیدات خود را می بینند. دانشجویان معترض را در دانشگاههای مختلف احضار و

خواهند شد که بیانیه دهند و مشکلات را با معلمان در میان بگذارند. اما پاسخ برای معلمان و مردم روشن است. معلمان منتظر این زمان خرین ها نمیشوند و نباید بشوند. تنها با تجمعات اعتراضی و با مبارزات گسترده است که میتوان در مقابل قلدری های این رژیم ایستاد. میتوان حقوق خود را تحمیل کرد و میتوان کل بساط جنایتش را جارو کرد و به زیرش کشید. این را معلمان در مبارزات تا کنونی خود تجربه کرده اند و این بار نیز جواب آقای باغانی و امثال او را خواهند داد. امروز در شرایطی که کل جامعه در التهاب و در انقلاب است، بهترین زمان برای معلمان است برای اینکه خواستهایشان را از سرگیرند. باید در مقابل این تعرضات ایستاد. رسول بدانی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه دستگیر شدگان اخیر و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. باید این احضار ها و تهدیدات فوراً متوقف شود. باید به تدارکات اعتراضات گسترده مان برویم. راهی دیگر در مقابلمان نیست.\*

خواستهایشان پاسخ داده نشده است و امروز بهترین فرصت برای طرح خواستها و از سرگیری اعتراضاتشان است. این نیرو در کنار اعتراضات دانشجویان و اعتراضات هر روزه مردم، فضای سیاسی جامعه را میتواند بکلی عوض کند و برای همین است که شروع سال تحصیلی جدید، آنهم در اوضاع ملتهب سیاسی کنونی مهمتر از هر سال است.

در همین رابطه جمهوری اسلامی تهدیداتش را بر معلمان نیز شروع کرده است. از سوم شهریور تا کنون یعنی بیش از سه هفته است که رسول بدانی، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان، در زندان است و، دو تن دیگر از اعضای این کانون نیز به دادگاه فرا خوانده شده اند. باغانی دبیر کل این کانون بازمهم به روال همیشه دارد وقت میخورد. و با دعوت معلمان به انتظار منتظر نشسته است تا قانع شود که از راهی قانونی در مقابل این تعرضات، پاسخ معلمان را بگیرد و به رسم خود همانجا میگوید اگر نه، ناگزیر

## حمله رژیم به دانشجویان را با اعتراضات گسترده در اول مهر جواب دهیم

انضباطی و کوتاه کردن دست وزارت اطلاعات و سایر نهادهای سرکوبگر از دانشگاهها آغاز کنند و دانشگاه را به مرکز مبارزه با ظلم و ستم حکومت اسلامی تبدیل کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی و برابری

سازمان جوانان کمونیست  
۲۴ شهریور ۸۸، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹

پیشگیرانه و وحشیگری های رژیم اسلامی نشانه ترس و وحشت او از اعتراضات دانشجویان است. دانشجویان باید اول مهر را با اعتراض به دستگیری و احکام صادره برای دانشجویان، قوانین اسلامی و جداسازی جنسیتی و برای آزادی دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی، معرفی و محاکمه آمرین و عاملین کشتار دانشجویان و مردم و محاکمه آنان و برچیدن کمیته های

شدگان جنگ در دانشگاه متهم شده اند. هر کدام از این دانشجویان به ۲ ترم محرومیت از تحصیل و محرومیت از کلیه خدمات آموزشی و رفاهی محکوم شده اند همچنین اشکان مسیبیان به پرداخت جریمه نقدی محکوم شده است. احضار و ضرب و شتم دانشجویان در آستانه بازگشایی دانشگاه ها برای سرکوب کردن دانشجویان امسال بیشتر از سال های گذشته اجرا می شود، این حملات

هستند که پس از مراجعه به وزارت اطلاعات مورد ضرب و شتم و تهدید ماموران وزارت اطلاعات قرار گرفتند. همچنین اشکان مسیبیان، سیامین غیائی، شکوه احمدی، محمد محمودی، سمانه فضلعلی به کمیته انضباطی احضار شده اند و برای آنان احکام محرومیت از تحصیل و جریمه نقدی صادر شد. دانشجویان به برهم زدن نظم عمومی، تخریب امواب عمومی و اعتراض به دفن کشته

### اطلاعیه شماره ۴

در ادامه احضار دانشجویان به وزارت اطلاعات و کمیته های انضباطی در دانشگاه های مختلف، ۱۰ دانشجوی دانشگاه رازی کرمانشاه به وزارت اطلاعات احضار شدند. حشمت الله مطاعی، سیامین غیائی، آبتین پگاه، اشکان مسیبیان، بابک غیائی، روشنگ امیریان، اکرم شیخ پور، رونک محمدی، محمد جعفری، شکوه احمدی دانشجویان احضار شده

### از صفحه ۱ بساط "قدس شان" را بر ...

نهادهای و مقامات و قوانین اسلامی را از زندگی مردم کوتاه خواهد کرد. رهبران مرتجع و جیون آپوزیسیون درون رژیم و کل مدافعان رنگارنگ جمهوری اسلامی اگر بخواهند حتی زنده بمانند باید به این خواست آتشین مردم تسلیم شوند. راه دیگری مقابل آنها نیست. سناریویی که ارتجاع اسلامی يك پار در سال ۵۷ با این نوع بازیهای آخوندی علیه انقلاب مردم پیاده کرد، دیگر قابل تکرار نیست. انقلاب در خیابان است. ادامه دارد و ادامه خواهد یافت. با هیچ بازی و توطئه ای نمیشود آنرا متوقف کرد.\*

کمونیست کارگیشان در برابر اینها به زباله دان ریختن کل بساط جمهوری اسلامی نه يك کلمه کم نه يك کلمه زیاد است! کارگران و مردم میخواهند و مصممند که این بساط ارتجاع قرون وسطانی ضد بشری را با تمام سنتها و قوانین و نهادهایش جمع کنند و از صحنه روزگار جارو کنند. مردم میخواهند جمهوری اسلامی تماما از بین برود. فهمیده اند که تنها راهشان انقلاب است. انقلابی که به این دوره سرکوب و ارتجاع و عقب ماندگی و تخریب و چپاول و تجاوز و تبعیض به طور همه جانبه و بدون ذره ای تردید و تخفیف پایان خواهد داد و دست

است که هیچ روزی بنام ارتجاع ثبت نشود و در دست ارتجاع جنایتکار حاکم باقی نماند. بنابراین اگر مردم در این روز پا بیرون بگذارند تنها و تنها باید برای جمع کردن بساط قدس باشد. باید برای سردادن فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی باشد. برای سردادن فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد باشد. صف "قدس" و صف جمهوری اسلامی صف مردم نیست. صف دشمنان مردم است. مردمی که در عطش سوزان آزادی و رفاه دارند پا به میدان گزاردند، حاضر نیستند ذره ای به هیچ گوشه ای از این ماشین جنایت تخفیف دهند. حرف کارگران و مردم انقلابی همراه با حزب

جمهوری اسلامی و دیکتاتور ندهید"، آرامش را حفظ کنید"، "شعارهای سنتی قدس را فریاد بزنید" و امثال اینها. امثال هاشمی و کروی و موسوی و شرکا، حتی در يك قدمی کلاه بوقی و تحقیر و زندان، حاضر نیستند از "جمهوری اسلامی نه يك کلمه کم و نه يك کلمه زیاد" کوتاه ببینند. حاضرند کور شوند، عمامه هایشان را دور گردنشان بیندازند، اما يك ذره حرکتشان به مردم به جان آمده و به خشم در آمده نفعی نرساند. برای مردم همه روز روز اعتراض و روز انقلاب است. برای مردم مهم

را میشود در تمام این فراخوانها دید. جناح خامنه ای-احمدی نژاد در این روز میخواهد يك بار دیگر صف در هم ریخته ارتجاع ضد مردمی و ضد انقلابی را راست و ریست کند و به جان مردم بیندازد. آخوندهای دو خردادی مقابل آن هم، میخواهند قدرت ادعایی خود در کنترل انقلاب را به نمایش بگذارند و مردم سرنگونی طلب را با رندی به نفع جمهوری اسلامی به خیابان بکشاند و آنرا وجه المصلحه برای معاملات و سازشها با رقیب قرار دهند. به مردم خشمگین سرنگونی طلب فراخوان میدهند که "شعار علیه

## از صفحه ۱ احمدی نژاد در سازمان ملل ...

نهد - در صندلی مجمع عمومی سازمان ملل بنشیند و از پشت تریبون این سازمان سخنرانی کند. از پیچ‌پچهای رسانه‌ها چنین بر میآید که گویا صندلی ایشان را طوری ترتیب خواهند داد که امکان خوش و بش میان ایشان و دیپلماتهای دول غرب بخصوص آمریکا رخ دهد. فورا این ستوالات در مقابلمان رژه میروند: چرا یک جنایتکار علییه بشریت، کسی که هنوز از چنگالهایش خون جوانان سنگرهای خیابانی قیام دومه اخیر چکه میکند میتواند به سازمان ملل راه پیدا کند و در آن سخنرانی کند؟ معنای سیاسی این حضور برای خود جمهوری اسلامی چیست؟ برای دول غرب چیست؟ برای مردم غرب چیست و به تبع همه اینها و مهمتر از همه اینها، معنای سیاسی و درسش برای مردم ایران و انقلابشان چیست؟

چرا اصلا چنین ستوالی مطرح است؟ مگر چه اتفاقی افتاده است؟ مگر همین احمدی نژاد قبلا در همین سازمان ملل شرکت نکرده است و با اظهارات سفیهانه‌اش در این مجمع و گزارش سفیهانه ترش در پیش مرشدش در باره هاله نور و سکوت مطلق حضار، خود و حکومتش را مسخره خاص و عام نکرده است؟ مگر در همین سازمان ملل کم نیستند روسایی که هر کدام در راس یک سازمان جنایتکار سیاسی دیگر به نام دولت قرار دارند و به نمایندگی از آن دولت حضور بهم میرسانند؟

نه خیر، اتفاقات زیادی افتاده اند. چیزهای زیادی فرق کرده اند. تصویرهای زیادی عوض شده اند. نه جمهوری اسلامی همان جمهوری اسلامی است؛ نه مردم همان مردمند؛ نه شناخت و نگاه و تصویر مردم جهان از جمهوری اسلامی و مردم ایران همان است که قبلا بود. ستونهای جمهوری اسلامی ترک برداشته است. معماران این حکومت به جان هم افتاده اند. مقدسات این حکومت نامقدس شده اند. تابوهای این حکومت سکه یک پول شده اند. ولایت فقیه و ولی وقیح‌اش دراز شده اند. خشم و نفرت فرخورده مردم فوران کرده است. مردم در مقابل حکومت سنگر بندی کرده اند. مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای گفته اند. مردم به قدرت خود پی

برده اند. تصویرشان در جهان را زیر و رو کرده اند و خود را آماده میکنند این بساط سیاه اسلامی و همراه با آن احمدی نژاد را برای همیشه از ایران و منطقه جارو کنند.

دیگر کسی در جهان به این خزعبلات باور نمیکند که جمهوری اسلامی، این مجسمه جهالت و جنایت نماینده قلب و مغز و آمال و امیال مردم ایران است. جمهوری اسلامی در جهان مظهر قتل در خیابان، شکنجه در زندان، تجاوز در سلول و شوهای شنیع در دادگاه است. جمهوری اسلامی در نظر مردم جهان نماینده جهالت و رذالت و شیادی و دزدی و جنایت و عقب ماندگی است و احمدی نژاد، رئیس جمهور انتصابی همین جمهوری اسلامی، به هیچ معنایی، حتی با نازلترین استاندارد یک نظام دموکراسی هم نماینده مردم نیست. احمدی نژاد پاپت خامنه‌ای است. نماینده‌ای که فقط در رقابت بر سر سفاهت و جهالت و جنایت در میان بالای حکومت اول شده است. خامنه‌ای هم سردهسته راهزنان اسلامی است که به زور ناجا و نوپو و کهریزک و اوین حکومت میکند.

تصویر مردم جهان از مردم ایران هم زیر و رو شده است. سه دهه تلاش کردند هیولای اسلامی حاکم بر ایران را که در لابراتورهای دول غرب حدادی شده و بر مردم ایران حاکم شده بود را به مثابه محصول مورد علاقه مردم ایران قلمداد کنند. مردم جهان سه دهه از روزنه سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی به مردم ایران نگاه کرده بودند و هرگز نتوانسته بودند فاصله عمیق این مردم با حکومت، نفرت گسترده آنها از حکومت اسلامی، و آرزوی بی پایانشان برای رهایی از این حکومت را ببینند. این تصور ۳۰ ساله در کمتر از سه ماه تماما در هم ریخت. در ذهنیت مردم جهان، به جای یک جامعه اسلامی سیاه با انسانهایی مذهبی و عقب مانده و غرب‌گریز، جامعه‌ای پرتحرک با نسلی مدرن و تشنه رهایی و راغب به هر فرهنگ پیشرو و انسانی نشسته است. نسل جوان ایران در منظر مردم جهان، نسلی است که جان بر کف گذاشته و نه تنها آزادی و انسانیت خود را میخواهد بلکه مبشر رهایی جهان از نکبت جنبشی ضد انسانی به نام جنبش اسلامی است.

اگر از نماینده همین دولتها از جمله دول غرب و آمریکا بپرسید که چرا چنین جنایتکاری که در خیابانها توسط میلیونها مردم به چالش کشیده شده است، کسی که در راس قتل ندها بوده است، کسی که سردهسته تجاوز در زندانهاست میتواند به سازمان ملل برود، یک دوچین دلیل و منطق حقوقی و دیپلماتیک و به اصطلاح "محکمه پسند" ردیف میکنند که ایشان به هر حال رئیس جمهوری یک کشور و در راس یک دولت است که عضو سازمان ملل است و ظاهر چاره‌ای جز تحملش نیست. این دلیل صاف و ساده چرت است چون همین دولتها وقتی منافع سیاسی‌شان ایجاب بکند، قوانین ملی و بین‌المللی را مثل آب خوردن زیر پا میگذارند. عملیات "شوگ و اراعاب" علیه مردم عراق یکی از نمونه‌های خیره‌کننده دور زدن قوانین و میثاقهای بین‌المللی بود.

همان دلایلی که دست نمایندگان تروریسم دولتی آمریکا در عراق را در دست تروریستهای جمهوری اسلامی گذاشت تا با صطلاح برای امنیت در عراق همکاری کنند؛ همان دلایلی که منجر به پروژه‌های پرورش آخوند اهلی اسلامی در مراکز کشورهای غرب شده است؛ همان دلایلی که اوپاما را وادار کرد در مراسم افطار کاخ سفید روضه خوانی کند؛ همان دلایلی که سران دول غرب مخصوصا آمریکا را وادار کرد در اوج مبارزه رودرروی مردم با حکومت اسلامی به لکننت زبان بیاقتند؛ همان دلایل باعث شده است که برای احمدی نژاد، قاتل مردم ایران در صندلی مجمع عمومی سازمان ملل جا رزرو شود. این یک پراگماتیسم خونین است و به یمن همین پراگماتیسم خونین دولت آمریکا و دول غرب است که پاهای خونین احمدی نژاد به مجمع عمومی سازمان ملل باز میشود. پراگماتیسمی که در آن همه چیز، حق و آزادی و حرمت انسان بنا بر "مصلح ملی" یا همان منافع طبقه حاکم این کشورها سیال است. کم نیستند جنایتکاران جنگی و نسل‌کشا و خونتاهای آدمخوار که تحت الحمایه و زیر چتر امنیتی همین سیاست در نهادهای بین‌المللی ولو بوده اند و به روی هزاران هزار قربانیانشان زهر خند زده اند و میزنند. و البته هرگاه مصلحت

سیاسی "ملی" ایجاب کند سر و کله تک و توکی از آنها در دادگاههای بین‌المللی ظاهر میشود.

برای حکام اسلامی، حضور احمدی نژاد در سازمان ملل معنای سیاسی مهمی دارد. این وجهی از تقابل با قیام مردم است. احمدی نژاد در مقطعی از یک مبارزه رودررو با مردم ایران، تقابلی که اشکالش عوض شده است اما پایان نیافته است، به عنوان رئیس جمهور به سازمان ملل می‌رود. جمهوری اسلامی، همان حکومتی که ستونهایش با قیام و انقلاب مردم در خرداد و تیر امسال ترک برداشت، حکومتی که با ضرب و زور شکنجه و کشتار و تجاوز هم توسط مردم برسمیت شناخته نمیشود، میخواهد با حضور سروایشش در سازمان ملل رسمیت یابد!

این وسط، جناح مغلوب همین حکومت که بیشتر تخم مرغهایشان را در سبد آمریکا و دول غرب گذاشته بود، با حضور احمدی نژاد در سازمان ملل تخم مرغهایش را شکسته تحویل میگردد. کسانی که میخواستند با حمایت دول غرب، جمهوری اسلامی را از درون مستحیل کنند و یک جمهوری اسلامی مخملی اما خونین بر سرکار نگه دارند متوجه شدند که در پیشگاه پراگماتیسم خونین غرب آن جناحی طرف معامله است که قدرت در دستانش است، که فعلا و با هر تعبیری از پیروزی تصور میکنند بر مردم پیروز شده است. در حال حاضر جناح مغلوب چنین موقعیتی را نتوانسته است احراز کند و فعلا مثل دستمال کهنه به کناری پرتاب شده است.

اپوزیسیون راست طرفدار غرب هم که از لحظه عملیات "شوگ و اراعاب" در عراق، شبهای زیادی با رویای سلطنت بر مردم ایران توسط دموکراسی موشکی بر فراز ویرانه‌ها و جنازه‌ها به خواب رفته و از خواب بیدار شده است، و با بن بست آمریکا در عراق کابوس تحویل گرفته است، با خبر حضور احمدی نژاد در سازمان ملل قاعدتا باید دیرسیون بگیرد. در میان این اپوزیسیون، کسانی که در مقابل انقلاب مردم به دامن سبز رفسنجانی - موسوی پناه بردند و تصور میکردند دول غرب به خاطر گل روی شیرین عبادی و خاتمی (که زمانی در پروژه سیاسی دول غرب در قبال حکومت اسلامی و انقلاب مردم به بازی

گرفته شده بودند) فرش قرمز در سازمان ملل زیر پای موسوی پهن خواهند کرد قاعدتا نباید الان حالشان خوش باشد.

اما، اینها همه یک وجه تصویر چند بعدی احمدی نژاد در سازمان ملل است. وجه دیگر و اصلی‌ترین است که به یمن مبارزات انسانی مردم ایران در چند ماه اخیر، به یمن گزارش بی‌سانسور این مبارزات توسط مبارزین خیابانی در سطح در جهان، احمدی نژاد در نظر مردم انساندوست جهان به یک چهره منفور تبدیل شده است. مردمی که با ایشان در خیابانها، با خونشان در سنگرها، با فریاد مرگ بر دیکتاتورشان در کوچه و خیابان و پشت بامها و دانشگاهها "نه" محکمی به سردهسته اوپاشان اسلامی گفتند، تصویر تاکنونی وارونه شان در جهان را روی پاهایش قرار دادند و تحسین برانگیختند و الهام بخش آزادخواهان و عدالت طلبان شدند. در شرایط کنونی، احمدی نژاد، در زیر نگاه خشمگین و سرشار از نفرت مردم انساندوست جهان در کنار روسای دول غرب خواهد نشست. هرگونه رابطه و هرگونه خوش و بش سیاسی با این جنایتکار، انزجار مردم جهان علیه روسای دولتهای متبوعه خودشان را بر می‌انگیزد.

هنوز دول غرب به مانورهای سیاسی زیادی در مقابل انقلاب مردم ایران خواهند زد؛ هنوز با هر شخصیتی از ضد انقلاب اسلامی با هر پرورنده‌ای از جنایت، برای جلوگیری از انقلاب در ایران دست خواهند داد و هنوز در میان جناحها و باندهای مختلف حکومتی جایجا خواهند شد. تنها یک فاکتور و یک نیرو میتواند حکام اسلامی را در جهان منزوی کند و پاهایشان را از نهادهای بین‌المللی کوتاه کند: اعتراض وسیع و قدرتمند همان مردمی که از انقلاب مردم ایران با شور و شغف استقبال کردند؛

اعتراض همان مردمی که شجاعت و انسانیت جوانانی که به مقابله با حکومت اسلامی برخاسته بودند را ستودند. مردم ایران، با حضور این دشمن انقلابشان در سازمان ملل، فقط و فقط یک استنتاج میکنند و یک درس میگیرند: نجاتشان از نکبت اسلامی در دستان قدرتمند خودشان است. رهایی شان از یوغ هیولای اسلامی حاکم در ایران، همان هیولایی که در یک دست چماق سرکوب و در دست دیگر عصای همین دولتها را داشته است، در دستان خودشان است. تنها با نیروی خودشان، با قدرت متحد کارگران و زنان و جوانان، با قدرت انقلاب خودشان میتوانند این هیولا را بزانو در بیاورند.\*

## از صفحه ۱ دادگاه های اسلامی و استالین ..

استالینیستی بنامدا! (انصافا "تابوت" های لاجوردی درقیاس با همه "ابتکارات" طول تاریخ جنایات دولتی - اعم از دادگاه های استالینی، دوره تفتیش عقاید مک کارتی، زندان ابوغریب و زندان های مخفی سیا، و یا حتی دستگاه انگیزاسیون کلیسای قرون وسطی - یک درافزوده اورژینال محسوب نمی شود؟) یا مثلا کسی که با فریاد "حزب فقط حزب الله" روسری را با پونز بر پیشانی دختران بی حجاب می چسباند، حالا با فریاد آی دادگاه های استالینیستی نه فقط گریبان خود را رها کند که حتی مدعی رهبری اپوزیسیون هم بشود! (سوال: آیا قربانیان ناشی از حجاب اسلامی در ایران و جهان بیش از قربانیان جنایات هیتلر و استالین روی هم نیست؟) یا کسانی که اساننامه سپاه پاسدارن را نوشته و یا از بنیانگذاران "اواک" و دیگر اجزاء ماشین اسلامی صد هزار اعدام بوده اند، حالا استالین را لعنت کنند که گویا او الهام بخش دادگاه های تواب سازی خامنه ای است، و نه خمینی و نه لاجوردی و حجاریان و نه خود همین حضرات بازجو- ژورنالیست! شانس آوردیم "آیت الله خلخالی" (که ایشان نیز آخر عمری "اصلاح طلب" شده بود) زنده نماند، وگرنه با دوتا فحش علیه دادگاه های استالینیستی خون از دست می شست و دو قورت نیم دمکراتیکش هم باقی می بود!

واقعاً که این "استالین" و "استالینیسم" عجب معجزه ای است! هر دست راستی کثیف و مرتجعی، هر ژاندارم و پاسبان و پاسدار و اطلاعاتی و فیلسوف - چماقدار و آدم کش دولتی هرگاه به پیسی می افتد یک تکبیر "آی استالینیستی است" سر میدهد و گره کارش باز میشود. (نمونه جالب: هم اکنون افراطی ترین دست راستی های آمریکا حتی اوایما را به "استالینیسم" متهم میکنند! البته همه میدانند که اوایما جز "مارمولک" وال استریت و مجری منویات بانکها و سرمایه مالی آمریکا نیست. اما راست در آمریکا دارد با چرب کردن چماق "استالینیسم" از پیش خود را برای

برآمد احتمالی چپ و حمله به توده های ناراضی پس از بالا آمدن گند اوایما آماده میکند.) باری، از موضوع دور نیفتیم. چرا برخی و بویژه پاسدار- بازجو های دیروز و اصلاح طلبان سبز پوش امروز در قبال دادگاههای اسلامی به استالین متوسل شده اند؟

یک دلیل آشکارش همانطور که اشاره شد این است که میخواهند آدرس عوضی بدهند و از قبول مسئولیت در برابر مخلوقات نفرت انگیز خویش شانه خالی کنند. میخواهند جمهوری اسلامی و اصل نظام را از مظان اتهام در ببرند. این دادگاه های شنیع و مخوف را اول بار همین اصلاح طلبان مغضوب امروز و حاکمان و همه کاره های دهه اول جمهوری اسلامی اختراع کردند و علیه مخالفین نظام اسلامی و علیه کمونیست ها به کار گرفتند. نه استالین و نه مک کارتی و نه پینوشه و نه رامسفلد و نه حتی اسقف های خشک مغز و بیرحم قرون وسطی هیچکدام بطور بلاواسطه الهام بخش دادگاه های کریمه امروز جمهوری اسلامی نیستند. این دادگاه ها ساخت وطن اسلامی است! ساخت جمهوری اسلامی است که وظیفه تاریخی اش سرکوب وحشیانه و خونین یک انقلاب عظیم بالقوه کارگری، یعنی انقلاب ۵۷ بود.

جمهوری اسلامی البته از همه جنایتکار تاریخ آموخته است، از چشم درآوردن های نادر شاه گرفته تا تجارب ساواک و موساد و ک.گ.ب. و تا "شکنجه سفید" و "شوگ تراپی" محصول دوره پست مدرنیستی و نظم نوینی حاکمیت بورژوازی. اما به ناگزیر خیلی روش های منحصر بفرد و خودویژه اختراع کرد که در تاریخ سرکوب انقلاب ها به نام رژیم خمینی و اوپاش اسلامی او ثبت خواهد شد. (از جمله اشغال سفارت آمریکا و تراشیدن چماق "مرگ بر آمریکا" برای حمله به شوراهای کارگری، تداوم هشت ساله جنگی که در همان یکی دو سال اول میشد پایان داد، حمله به زنان با تیغ و اسید و حجاب اسلامی برای مرعوب ساختن کل جامعه، زنده کردن مجازات عهد حجر اسلامی از قبیل سنگسار و چشم درآوردن و از بلندی پرت کردن، آفتابه

انداختن به گردن جوانان و چرخاندن در شهر و غیره و غیره.) تا آنجا که به دادگاه های امروز برمیگردد، نمونه های بسیار موهن تر و خشن تر از دادگاه های تواب سازی در دهه اول جمهوری اسلامی برپا شد. بویژه در سالهای ۶۰ تا ۶۳ پروژه مخوف تواب سازی بر علیه چند ده هزار کمونیست و مخالف جمهوری اسلامی در سراسر کشور جریان داشت. نه فقط بیش از ۲۰ هزار نفر را در فاصله سه چهار سال اعدام کردند که موجی وسیع از توابیت و خرد کردن انسانها راه انداختند که تعداد بیشماری را از لحاظ روانی نابود کرد. کافست حتی یک کتاب از خاطرات بازماندگان زندان های آن دوره جمهوری اسلامی را ورق بزنید تا متوجه شوید که جمهوری اسلامی را در جنایت فقط میشود با خودش مقایسه کرد. هیاهوی "آی استالینیسم" قرار است همین ماهیت اسلامی و فوق العاده سنگدلانه روش های جمهوری اسلامی و همچنین چهره مخترعین و مجریان اصیل آن یعنی همین حضرات اصلاح طلب سبز پوش امروز را پنهان کند. دریک کلام فریاد "دادگاه های استالینیستی" سر داده میشود تا نقد انقلاب مردم حداکثر به خامنه ای و همین دادگاه های شنیع امروز محدود شود و جمهوری اسلامی و خمینی و اسلام و اصل نظام تطهیر شود.

توسل به استالینیسم البته خواص دیگری نیز برای مغضوبین درگاه جمهوری اسلامی دارد. از جمله دو مورد آن مهمتر است: اول این که استفاده از انگ "استالینیست" یکجور "اسم عبور شب" بین بورژواها و مرتجعین برای بازشناسی خودی ها است. طرف دادگاه های خامنه ای را استالینی می نامد تا علاوه بر پاک کردن اسم خود و در بردن جمهوری اسلامی در عین حال ضد کمونیست بودن خویش را یکبار دیگر اعلام کند. اعلام وفاداری و بیعت مجدد کند که اگر پایش بیفتد حاضر است مثل سالهای ۶۰ شمسی با دست مبارک خود هزاران کمونیست را خفه کند. تا برای خودش در بین دولتمردان غرب متحد و حامی پر و پا قرص پیدا کند. (همچنانکه

سلطنت طلبان نیز خمینی و کل رژیم اسلامی را به کمونیست ها می بندند!)

خاصیت دیگر "استالینیسم" این است که یک چماق شناخته شده برای ترساندن توده مردم است. کسی که این چماق را در هوا چرخ میدهد دارد میگوید که پشتش به مک کارتیسم و بمب اتم هیروشیما و "بازار آزاد" و دمکراسی نوع بوش و نظم نوین جهانی است. درست است که خیلی دمکرات است اما با کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی اصلا شوخی ندارد. بلد است چطور جامعه را اگر دیگر بیرق سبز اسلام افاده نکرد با چماق "استالینیسم" مرعوب کند. انگ "استالینیسم" مثل انگ "وطن فروش"، "یهودی"، "بی دین"، "طرفدار رنگ سرخ"، "جاسوس دشمن"، "مفسد فی الارض" و غیره بوی خون می دهد. نوعی قدرت خوف انگیز به گوینده اش میدهد. به خامنه ای و دادگاه هایش میگوید استالینیست نه فقط برای اینکه رد گم کند، نه فقط برای اینکه اصل نظام را حفظ کند، نه فقط برای اینکه متحد در غرب پیدا کند، بلکه همینطور برای اینکه مقابل چپ و کارگر نیز قدرت نمایی کند. درست مثل دست راستی های آمریکا دارد از حالا چماق استالینیست را صیقل میدهد که فردا بر سر کارگر و کمونیست بکوبد.

اما آیا این واقعیت که آبرو باخته ترین نیروها همچون دست راستی های آمریکا و یا تطهیر کنندگان جمهوری اسلامی به چماق استالینیسم پناه آورده اند از آن حکایت ندارد که عصر کارایی اینگونه چماق ها تاریخا به پایان رسیده است؟ آیا نشان نمی دهد که دوره تعرض انسانیت و کارگر و کمونیست برای پایان دادن به دهه ها دروغ و رعبی که در پس "استالینیسم" آفریده اند فرا رسیده است؟ آیا وقت آن نرسیده است که نشان دهیم اتفاقا یک اشتراک عمیق و طبقاتی بین همه جنایتکاران یک قرن اخیر تاریخ بشر وجود دارد و آن مقابله وحشیانه همه اینها با انقلابات کارگری است؟ آیا وجه اشتراک هیتلر، استالین، ترومن (رئیس جمهوری دوره مک کارتیسم و کسی که دستور

بمباران اتمی ژاپن را داد)، پینوشه، خمینی و بسیاری نظیر اینها در این نیست که هر یک یا نوعی یک انقلاب کارگری را عقیم کرده و به خون کشیده اند، یا برای ممانعت از آن بهترین کمونیست ها و رهبران کارگری و سوسیالیست ها و آزادیخواهان را کشته و زندان کرده اند، و برای جلوگیری از تعرض کارگر و قدرت گیری سوسیالیسم و انسانیت نسل کشی قومی و پاکسازی نژادی و جنگ جهانی و بمباران اتمی راه انداخته اند؟

راستش مدتهاست که زمان آن رسیده تا از چماق استالینیسم و یک قرن جنایت بورژواهای رنگارنگ علیه بشریت و بهترین تلاشهای علیه برهائی را بر ملا و خنثی کرد. آنچه که اکنون هم به آن حالت عاجل می بخشد و هم امکان انجام آنرا بیشتر فراهم کرده همین انقلاب جاری در ایران است. انقلابی که در قدم اول کل جمهوری اسلامی را بهم ریخته و کار به جایی رسیده است که حضرات دارند دادگاه های تواب سازی کذابی را علیه خودی ها و سازندگان و مبتکرین آن نیز به کار میگیرند. این انقلاب برای پیروزی خود چاره ای ندارد جز آنکه همه حربه ها و چماق های بورژوازی و بویژه این چماق "استالینیسم" را تماما از دستش بیرون آورد. این انقلاب برای پیروزی خود چاره ای ندارد جز آنکه ندای آزادی و برابری و انسانیت جهانشمول کارگر و مارکس و کمونیسم منصور حکمت را در سراسر دنیا به طنین اندازد. کسی که از غار اصحاب کهف اش بیرون آمده و فکر کرده که میتواند با غوغای "دادگاه های استالینی" آب تطهیر بر اسلام کثیف و خمینی و نظام آدم کش جمهوری اسلامی بریزد متوجه نیست که دارد خود و چماقش هردو را افشاء میکنند. بخصوص که ما هستیم تا تضمین کنیم که انقلاب عظیم مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی نه فقط این حضرات به دست پا افتاده برای نجات نظام اسلامی را رسوا کند، بلکه چماق استالینیسم را نیز کنار قبر جمهوری اسلامی در گورستان تاریخ دفن کند.\*

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.



## چهاردهمین کنفرانس اعضای تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت برگزار شد!

چهاردهمین کنفرانس تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران در روز شنبه ۱۲ سپتامبر در شهر استکهلم برگزار شد. این کنفرانس علنی بود و علاوه بر اعضای حزب، مهمانان و همچنین رفقا اصغر

انقلابی را برسمیت شناخت تا بتوان در آن نقش ایفا کرد. در مقابل جریاناتی که برای این مبارزه بشدت عادلانه و حق طلبانه مردم قالب دیگری تراشیدند و تبیین جناح های رژیم را به خورد صفوف خود دادند،

کمیته خارج کشور حزب نیز در این پانل شرکت نمود. سپس حاضران در کنفرانس سوالات، نظرات و انتقادات خود را درباره فعالیت های دوره گذشته تشکیلات سوئد و همچنین

سپس انتخابات کمیته سوئد برای دوره آینده برگزار شد و یک کمیته پانزده نفره به شرح زیر انتخاب گردید:

فریده آرمان، کیان آذر، سیامک بهاری، سیما بهاری، آذر پویا، الیا تابش، امیر توکلی، سوسن صابری، حسن صالحی، خلیل کیوان، بهروز مهرآبادی، کاوش مهران، نوید مینائی، رحیم یزدانپرست و افسانه وحدت.

در بخش پایانی عبدالله اسدی، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در مورد اهمیت کار فدراسیون و تأثیری که این نهاد انسانی بر زندگی پناهندگان دارد سخنرانی کرد و حاضرین را دعوت به همکاری بیشتر به فدراسیون کرد. سخنرانی پایانی کنفرانس را کیان آذر ایراد کرد که طی سخنران خود به نقش جوانان در اعتراضات اخیر بویژه در خارج کشور اشاره کرد و بر سازماندهی جوانان در مبارزه علیه جمهوری اسلامی تأکید گذاشت.

سپس از کسانی که برگزاری این کنفرانس را میسر کردند با اهدای گل تقدیر بعمل آمد.

این کنفرانس در میان شور و شوق شرکت کنندگان به پایان رسید. در این کنفرانس بحث ها و پیشنهادات سازنده ای مطرح شد و شرکت کنندگان پس از ساعت ها بحث و گفتگو آمادگی خود را برای یک دوره فعالیت قویتر، متشکل تر و همه جانبه تر اعلام نمودند.

پس از خاتمه کنفرانس، اولین جلسه کمیته جدید تشکیلات سوئد برگزار گردید و حسن صالحی بعنوان دبیر تشکیلات و کاوش مهران بعنوان خزانه دار انتخاب گردیدند. از رفیق بهروز مهر آبادی دبیر سابق نیز قدردانی شد.

تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری  
ایران- سوئد

۱۳ سپتامبر ۲۰۰۹

### تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

### شماره حساب ها:

#### انگلیس:

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

#### سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60  
صاحب حساب IKK

#### آلمان:

Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید:  
میتوانید از طریق دوستانتان

در خارج به حساب های  
فوق واریز کنید، و یا با  
شماره تلفن

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های  
دیگر را به شما معرفی کنیم.  
تقاضا میکنیم در همه موارد  
میزان و مشخصات مبلغ واریز  
شده و اسمی که باید اعلام شود  
را به ما اطلاع دهید.

### یک دنیای بهتر

برنامه حزب  
را بخوانید  
و در سطح  
وسیع  
توزیع کنید



کریمی رئیس هیئت دبیران حزب و خلیل کیوان دبیر کمیته خارج کشور حزب شرکت داشتند.

کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد منصور حکمت و جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید. سپس بهروز مهرآبادی دبیر کمیته حزب در سوئد به حاضران خوش آمد گفت و در مورد اهمیت و نقش کنفرانس و جایگاه حزب و تشکیلات سوئد در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور و همچنین درباره گزارش ارائه شده به کنفرانس صحبت کرد. سپس آئیننامه کنفرانس و دستور جلسه به تصویب رسید.

سخنران مهمان این کنفرانس اصغر کریمی بود که در سخنرانی خود به مقطع مهمی که کنفرانس در آن برگزار می شود، اشاره کرد. وی از یک طرف به مرور فشرده حرکت انقلابی مردم در جامعه پرداخت و از طرف دیگر به نقش مهم حزب کمونیست کارگری بویژه در ماههای اخیر اشاره کرد و گفت:

"مهمترین مسئله این بود که باید خود این حرکت آزادیخواهانه و

حزب قاطعانه از این حرکت دفاع کرد و آنرا ادامه مبارزه مردم برای آزادی، رفاه، سکولاریسم و اعتراض و نفرت پرشور مردم علیه اعدام، ارزیابی کرد. حزب نقش مهمی بویژه در یک سال اخیر ایفا کرد و تصویر یک کمونیسم محبوب و انسانی و رادیکال را به اعماق جامعه برد. حزب در این فاصله به یک حزب توده ای و بعنوان یک نیروی مهم علیه جمهوری اسلامی در میان توده های وسیع مردم شناخته شد و باید در خارج کشور هم بویژه در دور دیگری از اعتراضات که با توجه به وضعیت در داخل کشور بزودی آغاز می شود، خود را آماده ایفای نقش موثرتر و تعیین کننده تر کند."

در بخش گزارش برای بررسی سیاست های حزب و فعالیت های انجام شده بویژه در دوره اخیر پانلی با شرکت اصغر کریمی، فریده آرمان دبیر کمیته مالمو، بهروز مهرآبادی دبیر کمیته سوئد، منصور فرزاد دبیر کمیته گوتنبرگ و رحیم یزدانپرست از طرف کمیته استکهلم شرکت داشتند. گرداننده پانل حسن صالحی بود. در بخش دوم پانل خلیل کیوان دبیر

پیشنهادات خود را برای فعالیت های دور آتی تشکیلات مطرح ساختند. شرکت کنندگان در پانل به سوالات پاسخ دادند و به توضیح سیاست ها و جوانب مختلف کار حزب پرداختند.

مبحث بعدی کنفرانس بررسی پلاتفرم ها و قراردادهای ارائه شده به کنفرانس بود که پس از بحث های پرشور خطوط اصلی نقشه عمل و سیاست های دوره آتی فعالیت تشکیلات تعیین شده و تدوین نهایی پلاتفرم به عهده کمیته آینده تشکیلات سوئد گذاشته شد. از جمله بندهای این پلاتفرم می توان موارد زیر را برشمرد: آماده ساختن و سازماندهی تشکیلات سوئد و رهبری آن برای شرکت و رهبری جنبش های توده ای، معرفی و شناساندن هر چه بیشتر حزب و سیاست های آن، مبارزه همه جانبه با جمهوری اسلامی و حامیان آن و همچنین نقد و افشای گرایشات راست و سازشکار، عضوگیری و آموزش اعضا و استفاده از تکنولوژی و امکانات ارتباطی مدرن، کار در میان جوانان.

## ملاقات با نمایندگان پارلمان سویس، کنفرانس مطبوعاتی در محل پارلمان و میز اطلاعاتی در مورد ایران در شهر برن پایتخت سویس

روز پنجشنبه ۱۰ سپتامبر، مینا احدی در پارلمان سویس حضور یافت و در مورد اوضاع ایران، مبارزات مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی و سیاست دولت سویس با

رسانده و از سیاست مداخلات و همراهی دولت سویس با جمهوری اسلامی ایران به شدت انتقاد کرد. مینا احدی گفت که مردم ایران با یک حرکت میلیونی، نشان دادند که



حکومت اسلامی نمیخواهند و با قوانین و مقررات ضد انسانی و ضد زن اسلامی مبارزه میکنند. آنها خواهان همیاری بین المللی برای سرنگونی حکومت و پایان دادن به این کابوس وحشتناک هستند.

سپس در محل کنفرانس مطبوعاتی پارلمان، مینا احدی یک کنفرانس مطبوعاتی داشت و در یک

سخنرانی کوبنده و پرشور، از سیاستهای دولت سویس انتقاد کرد و به سوالات خبرنگاران پاسخ داد. او گفت: من بعنوان یک فعال مدافع حقوق انسانی و فعال مبارزه علیه اعدام و سنگسار، تا کنون سه بار در محل وزارت امور خارجه سویس، با نمایندگان این وزارتخانه دیدار و گفتگو کرده ام، آنها همواره به صحتهای پشت پرده با جنایتکاران اسلامی اشاره کرده و سیاست دیالوگ انتقادی یا به زبان روشن تر، سیاست مداخلات و همکاری با جمهوری اسلامی را مطرح کرده و عملاً آنرا پیش برده اند. من امروز نیامده ام، اینجا از نقض حقوق بشر و یا خطر اعدام و سنگسار حرف بزنم، آمده ام بگویم که مردم ایران این بار یکپارچه به پا خاسته و پاسخ همه این مداخلات و توجیحات رنگارنگ را با یک خیزش و انقلاب علیه حکومت اسلامی دادند. امروز سوال اینست که آیا دولت سویس و اتحادیه اروپا کماکان سیاست اپورتونیستی و کوتاه بینانه خود را در مورد جنایتکاران حاکم بر ایران ادامه میدهند. آیا باز

هم منافع اقتصادی و تجارت با حکومت در حال فروپاشی و سرنگونی حکومت اسلامی را ادامه میدهد، یا بر علیه این جنایتکاران و سردمداران جنبش کثیف اسلامی موضع میگیرد. من آمده ام بگویم که فرصت کم است و دولت‌های اروپایی باید تصمیم بگیرند. آیا کماکان از یک حکومت فاشیست و دیکتاتور دفاع میکنند و یا توجه اشان معطوف به مردم میشود. مینا احدی با اشاره به سفر وزیر امور خارجه سویس خانم کالسی -ری به ایران و ملاقات او در حالیکه محجبه بود با احمدی نژاد، گفت: حجاب بر سر کردن کالسی -ری، با اعتراض و انزجار زنان در ایران و فعالین مدافع حقوق انسانی روبرو شد. این یک اسکاندال سیاسی بود و در رسانه های سویسی نیز انعکاس یافت. و کالسی -ری در توجیه این رفتار خود گفت که در ایران قانون اینست و من قانون را رعایت کردم، من از خانم کالسی -ری میپرسم، در ایران قانون این

همچنین مینا احدی ملاقات رییس جمهور سویس با احمدی نژاد را در جریان کنفرانس دوربان دو به شدت محکوم کرد.

در پایان مینا احدی به سوالات پاسخ داد.

ساعت ۲ بعد از ظهر در مقابل پارلمان سویس یک میز اطلاعاتی از طرف فعالین سازمان اکس مسلم برپا شده بود که در آن عکس مبارزات اعتراضی و همچنین عکسهای از کشته شدگان تظاهراتهای اخیر به صورت نمایشگاهی برپا بود. در این جمع نیز مینا احدی گزارشی از حضور خود در پارلمان و کنفرانس مطبوعاتی را به اطلاع جمع رساند.

سازمان اکس مسلم - سویس  
۱۱ سپتامبر ۲۰۰۹

نمایندگان پارلمان صحبت کرد. این برنامه ها به کمک سازمان آزاد اندیشان سویس سازمان یافته بود و مسئول این سازمان، اشتفان مائورهورف نیز همراه با مینا احدی در محل پارلمان بود.

مینا احدی در این گفتگوها آخرین اخبار در رابطه با اعتراضات میلیونی مردم را به اطلاع حاضرین

### تا وقتی عزیزان ما آزاد نشوند،

### ما ساکت نخواهیم شد

### تجمعات خانواده های دستگیر شدگان اخیر ادامه دارد



مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند و خواهان آزادی فوری عزیزان خود از زندان شدند. بعضاً خانواده وارد محوطه ساختمان دادگاه میشدند و

بنا به گزارشها روز یکشنبه ۲۲ شهریور همچون روزهای دیگر تعدادی از خانواده های دستگیر شدگان اخیر از ساعت ده صبح در

خواستار صحبت با حداد عادل و حیدری فر میشدند و با صدای بلند فریاد میزدند چرا عزیزان ما را آزاد نمیکنید. چقدر میخواهید برایشان پرونده سازی کنید. ما را مرتباً وادار به گرفتن مرخصی کرده و زندیگیان را فلج کرده اید. هر روز وعده و وعید میدهید و عمل نمیکنید. مرتباً ما را میان دادگاه انقلاب و زندان اوین پاسکاری میکنید. دیگر بس است. اگر فکر میکنید ما ساکت میشویم، کور خواندید. ما نه ساکت میشویم و نه دست از مراجعات و پیگیری وضع دستگیرشدگان دست برخواهیم داشت و تا وقتی آنها را آزاد نکنید به تجمعاتمان ادامه خواهیم داد. در

برابر این اعتراضات قاضی حداد و حیدری فر به دفتر خود دستور داده بودند که هیچگونه پاسخی به خانواده ها ندهند و تلفنی در اختیار آنها قرار ندهند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برای آزادی زندانیان سیاسی

سردبیر: محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد

۲۴ شهریور ۸۸ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹  
۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

Shahla\_daneshfar  
@yahoo.com  
http://free-zندان-iseyasi.blogspot.com